

آثار متقابل توزیع درآمد و درآمد ملی بر مصرف بخش خصوصی در ایران و نقش نظارت و بازرسی در تحقق توزیع عادلانه تر درآمد در کشور

حامد نعیمی پژوه^۱

احمد توکل مقدم^۲

چکیده

این تحقیق آثار متقابل توزیع درآمد و درآمد ملی بر مصرف در ایران را در غالب مطالعه سیستمی طی سال‌های (۱۳۵۲-۱۳۸۹) مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که نظریه اقتصاددانانی که افزایش نابرابری را ابزاری برای افزایش تولید از طریق تجمع ثروت در دست ثروتمندان (گروهی که میل نهایی به مصرف پایینی دارند و درآمد مازاد خود را سرمایه گذاری می‌کنند) می‌دانند، در مورد ایران رد می‌شود و نظریه گروه دوم اقتصاد دانان توسعه که بیان می‌کنند افزایش برابری در اقتصاد با افزایش قدرت مصرف بخش ضعیف جامعه (که اکثراً کالاهای مصرفی داخلی را به جای کالاهای لوکس وارداتی مصرف می‌کنند)، باعث تشویق مصرف کالاهای داخلی و در نتیجه افزایش تولید آن‌ها و در نهایت تولید ناخالص داخلی می‌شود، در مورد ایران تأیید می‌کند. همچنین مطالعه وظایف سازمان بازرسی کل نشان از نقش کلیدی این سازمان در تحقق توزیع عادلانه تر درآمد از طریق نظارت بر قوانین موجود در این زمینه (از قبیل قانون هدفمند کردن یارانه‌ها) دارد.

واژگان کلیدی: توزیع درآمد، تولید ناخالص داخلی، مصرف بخش خصوصی، VECM

۱- کارشناس ارشد اقتصاد و بازرسی وزارت امور اقتصادی و دارایی

۲- کارشناس ارشد مدیریت اجرایی و معاون بازرسی کل امور اقتصاد و دارایی

مقدمه:

مصرف و مخارج مصرفی از عناصر کلیدی دستگاه تحلیلی اقتصاد کلان می‌باشد. تاکنون دیدگاه‌های مختلفی درباره مصرف و عوامل تأثیرگذار بر آن در اقتصاد کلان مطرح شده است. عده‌ای بر نقش درآمد بر مصرف تأکید داشته‌اند و عده‌ای نیز نگرشی روان‌شناختی بر مصرف داشته‌اند و مصرف را تنها تابعی از درآمد فرد ندانسته بلکه متأثر از مصرف افراد هم‌گروه یا جامعه فرد دانسته‌اند. عده‌ای نیز همانند مودیگیانی و البرت آندو و ریچارد برومبگ^۱ و نیز فریدمن^۲ تأکید کرده‌اند که افراد ترجیح می‌دهند به جای این که مصرف‌شان با نوسانات درآمد بالا و پایین رود، الگوی مصرف پایداری داشته باشند. فریدمن تأکید می‌کند مصرف هر دوره به کل درآمدهای مورد انتظار فرد بستگی دارد و بنابراین تغییرات درآمد در طی یک دوره اثر چندانی بر مصرف به جانمی‌گذارد. همچنین با توجه به این که مخارج مصرفی یکی از اجزای تقاضای کل می‌باشد شناخت رفتار مصرفی هر جامعه و عوامل مؤثر بر آن می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های سیاستی مؤثر باشد. از طرف دیگر ترجیحات مصرفی می‌تواند بر الگوی تخصیص منابع نیز مؤثر باشد این جا است که نقش توزیع درآمد در اهمیت سیاست‌گذاری‌ها مطرح می‌شود چرا که با حاکمیت عده‌ای خاص بر الگوی تقاضای مؤثر جامعه، حاکمیت مصرفی آن‌ها بر الگوی تخصیص منابع نیز بیش‌تر می‌شود. بنابراین دو کشور که سطح تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه برابری دارند ممکن است کاملاً ساختار تولید و مصرف متفاوتی داشته باشند و این امر بستگی به این دارد که آیا درآمد ملی، عادلانه توزیع شده است یا نه. نظریه‌های مربوط به توزیع درآمد و اثرات آن بر تحركات اقتصادی و مصرف بیش‌تر به مطالعات اقتصاددانان توسعه مربوط است. عده‌ای از اقتصاددانان توسعه بر این باورند که توزیع ناعادلانه درآمد باعث تجمع ثروت در دست افراد ثروتمند می‌شود و چون افراد ثروتمند میل‌نهایی به مصرف کمی دارند. درآمد حاصله را پس‌انداز می‌کنند و این امر خود باعث افزایش سرمایه‌گذاری و در نتیجه درآمد ملی و رشد اقتصادی می‌گردد.

عده‌ای نیز معتقدند کشورهای در حال توسعه تا حدی متفاوت است و باید در مورد پایین بودن میل‌نهایی به مصرف افراد ثروتمند در کشورهای در حال توسعه شک کرد. این عده معتقدند که افراد ثروتمند در این کشورها نه تنها ثروت خود را صرف سرمایه‌گذاری و تولید در این کشورها نمی‌کنند بلکه آن‌را یا صرف خرید زمین و کالاهای مصرفی لوکس در کشورهای ثروتمند کرده و یا صرف بورس بازی در زمینه مسکن و زمین (به جای سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مولد تولیدی)

1. Brumberg

2. Fridman

در کشورهای خود می‌کنند. لذا نه تنها تولید در این کشورها متأثر از توزیع ناعادلانه درآمد نمی‌باشد بلکه بر مصرف نیز اثر زیان باری دارد. این عده معتقدند با توجه به این که این کشورها در تولید کالاهای ضروری مصرفی مزیت نسبی دارند توزیع برابر ثروت و درآمد با افزایش مصرف این کالاها موجبات افزایش تولید و رشد اقتصادی در این کشورها را نیز فراهم می‌کند. در کشور ما نیز با توجه به سیاست‌های هدفمندی یارانه‌ها و تلاش‌های صورت گرفته در زمینه توزیع عادلانه درآمد این سؤال مطرح می‌شود که آیا در صورت تحقق توزیع عادلانه درآمد (به واسطه اجرای سیاست‌های هدفمندی یارانه‌ها) می‌توان امیدوار به افزایش مصرف کالاهای تولیدی و در نتیجه تشویق تولید بیش‌تر و در نهایت رفاه اقتصادی شد و یا این که در درازمدت با اثرات مخربش بر سرمایه‌گذاری موجبات افول اقتصادی را فراهم خواهد کرد. لذا در مطالعه حاضر سعی شده است در راستای تحلیل بهتر اثرات توزیع درآمد بر مصرف در ایران در غالب یک مطالعه سیستمی به اثرات متقابل و هم‌زمان متغیرهای مورد استفاده در مدل نیز توجه شود و سعی شده به سؤال‌های زیر پاسخ داده شود.

۱- آیا نابرابری در بلندمدت اثر منفی بر مصرف خصوصی در ایران دارد؟

۲- آیا نابرابری در کوتاه‌مدت اثر منفی بر مصرف بخش خصوصی در ایران دارد؟

۳- آیا مصرف خصوصی اثر مثبتی بر تولید در ایران دارد؟

لذا مقاله حاضر در ۶ قسمت تدوین شده است. در پی آمد مقدمه در بخش دوم به مبانی نظری و دیدگاه‌های مختلف موجود، بخصوص دیدگاه‌های اقتصاددانان توسعه در زمینه مصرف و توزیع درآمد و ارتباط آن‌ها با یکدیگر پرداخته ایم. بخش سوم را به مروری بر پیشینه تحقیق در ایران و سایر کشورهای دنیا اختصاص داده ایم. در بخش چهارم نیز بعد از معرفی الگوی نظری و نحوه اتصال توزیع درآمد و تولید به مصرف و معرفی داده‌ها، به تصریح الگوی اقتصادسنجی پرداخته شده است. در بخش پنجم نیز به نقش نظارت و بازرسی در تحقق اهداف تحقیق و رشد اقتصادی پرداخته شده است و در نهایت در بخش ششم با توجه به نتایج تحقیق به ارائه پیشنهادهایی با توجه به یافته‌های تحقیق پرداخته شده است.

تعریف توزیع درآمد و نظریه‌های اقتصاددانان توسعه در رابطه با رابطه توزیع درآمد و مصرف

(۱) مفهوم توزیع درآمد:

نحوه توزیع درآمد که در واقع نشان دهنده چگونگی تقسیم عواید بین عوامل تولید است، پایه

و اساس بسیاری از نظریه های اقتصادی است مسأله توزیع درآمد بر حسب اینکه درآمد بین چه عواملی توزیع می گردد، قابل بررسی است. توزیع درآمد را می توان میان اجزاء درآمد ملی و سهم هر جزء از درآمد ملی (مانند سرمایه گذاری، مصرف و...) و یا در رابطه با توزیع درآمد میان افراد جامعه یا توزیع شخصی درآمد تعریف نمود.

در اینجا ضروری است که میان درآمد که مفهوم جریانی یا روانه ای [Flow] است و ثروت که مفهوم انباشته ای [Stock] است، تفاوت قابل شویم. به عبارت دیگر باید گفت ثروت، حجم کل ذخایر انباشته شده یک فرد در هر لحظه از زمان را اندازه گیری می کند در حالی که درآمد، دریافتی کل یک شخص یا خانوار در طی یک دوره معین است. به طور کلی اقتصاددانان برای مقاصد تحلیلی و کمی بین دو معیار اندازه گیری درآمد فرق می گذارند: ۱- توزیع تبعی درآمد [توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید] ۲- توزیع شخصی یا مقداری درآمد

۱-۱) توزیع تبعی درآمد (توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید)

این توزیع به توزیع درآمد بین عوامل تولید (کارگر، سرمایه، زمین و مدیریت) بر اساس مشارکت آنان در تولید اشاره دارد. به عبارت دیگر در این توزیع بررسی می کنیم که چند درصد از کل درآمد ملی به هر یک از عوامل تولید رسیده است. در آثار نظری مربوط به توزیع درآمد، درآمد هر عامل تولید به وسیله سهمی که این عامل در تولید دارد توضیح داده می شود. فرض می شود که منحنی های عرضه و تقاضا قیمت تعادلی هر عامل را تعیین می کند وقتی قیمت تعادلی هر عامل تولید در میزان استفاده از آن عامل ضرب شود، بر اساس فرضیه بهره برداری کارای عوامل (یعنی حداقل هزینه) پرداخت کل به هر عامل به دست می آید.

در مقیاس کلان اگر $y = f(L, K)$ تابع تولید کل اقتصاد باشد در این صورت:

$$\mathbf{L} = \frac{W.L}{Y} = \frac{W}{Y/L}$$

سهم نیروی کار از تولید خواهد بود که در آن W سطح تعادلی دستمزدهای اسمی است از تقاطع منحنی های عرضه و تقاضای نیروی کار به دست می آید. بنابراین:

$$\dot{\mathbf{L}} = \dot{W} - \left(\frac{\dot{Y}}{L} \right)$$

که در آن به ازای هر متغیر چون X ، $\dot{X} = \frac{dLnX}{dt}$ ، به عبارت دیگر اگر سطح دستمزد

و بهره‌وری نیروی کار، با نرخ یکسانی رشد نمایند سهم نیروی کار از تولید بدون تغییر خواهد ماند.

$$\left(\overset{\circ}{S} = 0 \right)$$

بدیهی است همین استنتاج در مورد سهم سرمایه از تولید $\overset{\circ}{S} K = 1 - \overset{\circ}{S} L$ نیز برقرار خواهد بود. اما اگر بهره‌وری نیروی کار سریع‌تر از سطح دستمزدها رشد کند در آن صورت سهم نیروی کار از تولید (ویا در آمد ملی) به‌طور مستمر در حال کاهش و سهم سرمایه در حال افزایش خواهد بود. بنابراین توزیع تبعی درآمد بر اساس دو عامل سطح دستمزدهای اسمی W و بهره‌وری نیروی کار Y/L تعیین می‌شود. البته تحلیل فوق، ایستا بوده و در کوتاه مدت (که K ثابت است) معتبر می‌باشد همچنین این تحلیل از محاسبه تأثیر نیروهای غیر بازار مانند قدرت تعیین قیمت عوامل به عنوان مثال، نقش چانه‌زنی بین کارفرمایان و اتحادیه‌های کارگری در تعیین قیمت سرمایه، زمین و تولید در جهت منافع شخصی خودشان در توزیع درآمد بین عوامل تولید ناتوان است.

۱-۲) توزیع مقداری درآمد

این توزیع متداول‌ترین مقیاسی است که به وسیله اقتصاددانان به کار برده می‌شود. این مقیاس صرفاً با اشخاص یا خانواده‌ها و کل درآمدی که آن‌ها دریافت می‌کنند سروکار دارد طبقه کسب درآمد در نظر گرفته نمی‌شود و آنچه مهم است این است که هر فرد چه مقدار درآمد کسب کرده است بدون توجه به این که درآمد تماماً از اشتغال ناشی شده باشد یا از منابع دیگری مانند بهره، سود، اجاره، هدیه ارث و غیره. به علاوه، موقعیت جغرافیایی (شهر یا روستا) و منابع شغلی درآمد [مثلاً کشاورزی، صنایع کارخانه‌ای، تجارت خدمات] نیز نادیده گرفته می‌شود اگر فرد X و فرد Y هر دو درآمد سالانه شخصی برابر داشته باشند هر دو در یک طبقه قرار می‌گیرند، صرف نظر از اینکه فرد X ممکن است روزانه ۱۵ ساعت در مزرعه اش کار کند و فرد اصلاً کار نکند و صرفاً درآمد حاصل از ارثیه اش را جمع‌آوری نماید.

Y

توزیع شخصی درآمد بی‌ارتباط با توزیع تبعی درآمد نیست بلکه مرتبط با آن است. شخصی که تنها صاحب نیروی کار است نسبت به شخصی که علاوه بر نیروی کار، صاحب زمین و سرمایه نیز می‌باشد، احتمالاً درآمد کم‌تری کسب می‌کند به علاوه مالکیت عوامل، ارتباط نزدیکی با موقعیت شخص در توزیع شخصی درآمد دارد. معمولاً نیروی کار در طرف پائین رشته توزیع مقداری درآمد قرار می‌گیرد و صاحبان سرمایه، زمین و مدیریت در طرف دیگر آن.

به خاطر داشته باشیم که توزیع تبعی درآمد به مان‌شان می‌دهد که آیا درآمد به طور کارابین عوامل تولید توزیع شده است یا خیر در حالی که توزیع مقداری درآمد به ما می‌گوید توزیع درآمد بین افراد جامعه تا چه اندازه برابر بوده است. در این تحقیق توزیع مقداری درآمد، کانون توجه بوده و از اینجا به بعد به طور ساده از آن به عنوان توزیع درآمد یاد می‌کنیم.

۳-۱) تولید ناخالص داخلی:

در این تحقیق از تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخصی برای درآمد ملی در نظر گرفته شده است. تولید ناخالص داخلی عبارت است از کالاها و خدمات نهایی تولید شده و مبادله شده در داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور.

۴-۱) هزینه‌های مصرفی خصوصی:

مخارج مصرفی یعنی خرید کالاها، مصرفی و خرج کردن روی این کالاها، اعم از اینکه کالاها مصرفی فوق‌الذکر بادوام باشند یا بی‌دوام.

پیشینه تحقیق‌های صورت گرفته در داخل و خارج کشور

الف) تحقیقات داخلی

منجذب (1996 Monjazeb)، به انتخاب مدل بهینه مصرف برای ایران در چارچوب مدل‌های مصرفی کینز، دوزنبری، مودیگلیانی و فریدمن در دوره‌ی ۱۳۷۳-۱۳۳۸ می‌پردازد. نتایج تحقیق بر اساس مقایسه بین میزان بهینگی از لحاظ آماری، مدل دوزنبری را از لحاظ آماری با اقتصاد ایران سازگارتر می‌داند.

سید عبدالله میراحمدی (۱۳۷۸)، در پایان‌نامه خود تحت عنوان «سیاست توزیع مجدد درآمد بر ساختار اقتصاد ایران (با روش داده-ستانده)» به بررسی این موضوع می‌پردازد که نتایج احتمالی سیاست‌های باز توزیع درآمد به سمت عدالت بیش‌تر بر ساختار تولید، اشتغال و الگوی مصرف چه خواهد بود؟ در این پژوهش اثرات تغییر در توزیع درآمد بر متغیرهای کلان اقتصادی از طریق مدل بسته داده‌ستانده‌ای که در چارچوب برنامه جهانی اشتغال «دفتر بین‌المللی کار (ILO) فراهم آمده، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج مدل، باز توزیع درآمد به نفع گروه‌های پایین درآمدی اثر مثبت قوی بر تولید بخش‌های کشاورزی و صنایع تولید کالاها بی‌دوام و کم‌دوام دارد. همچنین بهبود توزیع درآمد به سطح بالاتر اشتغال، ارزش افزوده کل، ستانده کل و درآمد شخصی و واردات منجر می‌شود. بنابراین هیچ نیازی به مبادله بین رشد اقتصادی و برابری درآمدها

وجود ندارد (رد فرضیه کوزنتس در ایران).

ابونوری و اژدری (۱۳۷۸)، با توجه به اطلاعات مقطعی ۸۶ کشور مورد مطالعه در دوره ۱۹۸۰-۱۹۹۳، و همچنین اطلاعات سری زمانی ۱۳۷۳-۱۳۵۰ ایران به تحلیل اثر توزیع درآمد بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. این مطالعه نشان داده است که اثر نابرابری درآمد بر رشد اقتصادی منفی بوده است و همچنین مشخص شده که اثر سهم ۲۰ درصد میانی (طبقه متوسط) بر رشد، بیش تر از اثر سهم ۴۰ درصد پایین (طبقه فقیر) است.

فاطمه عزیز خانی (۱۳۸۲)، در رساله خود به بررسی رابطه تعادلی و بلندمدت سه متغیر تولید، تورم و توزیع درآمد و همچنین چگونگی تأثیر گذاری آن‌ها بر یکدیگر پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که شوک‌های سطح تولید مهم‌ترین متغیرها در این تحقیق هستند. به خاطر اینکه هر شوکی از طرف تولید، تأثیر قابل توجهی بر سایر متغیرها دارد. همچنین وی نتیجه می‌گیرد که تولید و نرخ تورم اهمیت بیش تری در توجیه نوسانات ضریب جینی دارند و شوک‌های مثبت ضریب جینی در کوتاه مدت و بلندمدت تأثیر منفی بر سطح تولید دارد و باعث کاهش سطح تولید می‌شود.

ب) مطالعات خارجی

کوزنتس (۱۹۵۵) با استفاده از داده‌های در دسترس کشورهای در حال توسعه، که در سطوح مختلف درآمدی قرار داشتند، دریافت که با بالا رفتن درآمد تا حد معینی، نابرابری افزایش می‌یابد، اما پس از آن سطح نابرابری با افزایش درآمد کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، شکل رابطه بین نابرابری درآمد با درآمد سرانه در طول زمان در یک کشور شبیه واژگون است.

برین و پنالوسا (۱۹۹۹)، به بررسی نقش بی ثباتی اقتصاد کلان (انحراف استاندارد نرخ رشد تولید ناخالص داخلی) در نابرابری درآمد در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه طی زمان ۱۹۶۰-۱۹۹۰ پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که بی ثباتی بیش تر، ضریب جینی و سهم ۲۰ درصد بالایی از درآمد را افزایش و سهم بقیه ۲۰ درصدها را کاهش می‌دهد.

هاردینگ و گرینول (۲۰۰۱)، در مطالعه روند نابرابری هزینه و درآمد در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ هزینه و درآمد خانوارهای استرالیایی به این نتیجه رسیده‌اند که طی دوره زمانی مورد بحث، نابرابری درآمد افزایش، سهم درآمدی ۱۰ درصد پایینی کاهش و ۲۰ درصد بالایی افزایش یافته، اما نابرابری هزینه طی این مدت ثابت مانده است.

پیر لاپاسی، مارجین ساسین و جوزور پیک (۲۰۰۴)، در مطالعه‌ای دیگر تحت عنوان «رشد اقتصادی، توزیع درآمد و فقر در طول دوره انتقال در هلند» ارتباط بین سیاست‌های کلان اقتصادی

و متغیرهای رشد اقتصادی را همراه با تغییرات آن‌ها در طول زمان و اثر آن‌ها بر روی فقر با تکیه بر کشور هلند تجزیه و تحلیل می‌کند. به علاوه این مقاله مشخص می‌کند که چگونه سیاست‌های مالی و حمایت اجتماعی بر روی توزیع درآمد و فقر در هلند تأثیر گذاشته است. برای اینکه رشد کاهش دهنده فقر هم باشد ارتباط بین توسعه اقتصادی و بهبود بازار کار باید به صورت اساسی گسترش پیدا کند.

جواد صالحی اصفهانی (۲۰۰۶)، در مطالعه‌ای تحت عنوان انقلاب اسلامی و توزیع مجدد در ایران روند فقر و نابرابری را سه دهه بعد از انقلاب مورد بررسی قرار داده است و برای این موضوع از داده‌های خانوارها استفاده می‌کند و نشان می‌دهد که فقر به صورت قابل ملاحظه‌ای نسبت به استانداردهای بین‌المللی و همچنین در مقایسه با قبل از انقلاب کاهش یافته است. اما اگر چه نابرابری به صورت معناداری بعد از انقلاب بهبود یافت اما نسبتاً در طی ۱۵ سال ثابت باقی مانده است.

تصریح الگوی اقتصادسنجی

در این بخش به بررسی رابطه متقابل بین توزیع درآمد و درآمد ملی و مصرف در ایران با استفاده از تحلیل‌های هم‌انباشتگی می‌پردازیم. بدین ترتیب که با معرفی الگویی که ضریب جینی و درآمد ملی را به مصرف مرتبط می‌سازد، به تخمین روابط بلندمدت این سه متغیر که هدف غایی این تحقیق است پرداخته می‌شود سپس در راستای تحلیل جامع تر به رابطه بلندمدت رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران پرداخته می‌شود و در ادامه با استفاده از توابع عکس‌العمل آنی مدل VECM به تحلیل اثرات متقابل کوتاه‌مدت متغیرها پرداخته می‌شود.

- معرفی داده‌ها

در این تحقیق از داده‌های زیر استفاده شده است:

GDP: تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۷۶

GINI: ضریب جینی به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری نابرابری در ایران

CONSUMPTION: هزینه‌های مصرفی خصوصی به قیمت ثابت سال ۷۶

داده‌های مورد استفاده در این تحقیق برای سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۸۹ می‌باشد و از سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج شده است.

حال قبل از تخمین روابط بین متغیرهای استفاده شده در این تحقیق نیاز است به این سؤال پاسخ داده شود که چگونه می‌توان مصرف را به ضریب جینی مرتبط ساخت؟

لذا در ادامه بحث ابتدا به سؤال مذکور پاسخ داده می‌شود و سپس به تخمین رابطه متغیرها پرداخته می‌شود.

به منظور مرتبط ساختن مصرف با توزیع درآمد می‌توان کشش‌های مختلف مصرفی را برای گروه‌های مختلف درآمدی در نظر گرفت و نوشت:

$$(1) C_t = A \prod_{i=1}^5 Y_i^{\beta_i} e^{\varepsilon}$$

C_t : مصرف کل

β_i : کشش مصرفی گروه‌های مختلف درآمدی

Y_i : مقدار درآمد گروه‌های مختلف درآمدی از درآمد کل

همچنین داریم:

$$(2) \sum_{i=1}^5 Y_i = Y$$

که در آن: Y_t ، درآمد کل است

اگر از طرفین لگاریتم بگیریم داریم:

$$(3) \ln c_t = \ln A + \varepsilon_t \ln e + \sum_{i=1}^5 \beta_i \ln Y_i$$

اگر سهم گروه‌های مختلف درآمدی را به صورت $\alpha_i = Y_i / Y_t$ نشان دهیم، داریم:

$$(4) Y_i = \alpha_i Y_t$$

با جایگذاری رابطه ۴ در معادله ۳ داریم:

$$(5) \ln c_t = \ln A + \varepsilon_t \ln e + \sum_{i=1}^5 \beta_i \ln \alpha_i Y_t$$

پس از ساده سازی رابطه ۵ داریم:

$$(6) \ln c_t = \ln A + \varepsilon_t \ln e + \sum_{i=1}^5 \beta_i [\ln \alpha_i + \ln Y_t] \xrightarrow{\ln e=1} \ln c_t = \ln A + \varepsilon_t + \sum_{i=1}^5 \beta_i \ln \alpha_i + \ln Y_t \sum_{i=1}^5 \beta_i$$

اگر $\sum_{i=1}^5 \beta_i = \beta_0$ و $\ln A = \beta_0$ داریم:

$$(7) \ln c_t = \beta_0 + \varepsilon_t + \sum_{i=1}^5 \beta_i \ln \alpha_i + \beta_1 \ln Y_t$$

با فرض اینکه میانگین و واریانس $\ln \alpha_i$ ها و ضریب همبستگی بین $\ln \alpha_i$ و $\ln Y_t$ ها ثابت اند همچنین با در نظر گرفتن انحراف استاندارد $\ln \alpha_i$ ها به جای لگاریتم ضریب جینی، معادله نهایی را به صورت زیر استخراج می‌کنیم:

$$(8) \ln c_t = \beta_0 + \varepsilon_t + \beta_2 \ln G_t + \beta_1 \ln Y_t$$

با تخمین معادله مذکور می‌توان به رابطه مصرف و نابرابری پی برد.

در ادامه پس از آزمون ریشه واحد^۱ و بررسی خواص آماری متغیرها، روابط بین متغیرها (در غالب الگوی معرفی شده) با بکارگیری خود رگرسیون برداری تخمین و در نهایت روابط متغیرها مورد تحلیل قرار می گیرد.

۱) آزمون پایایی متغیرها

متغیرهای اقتصاد کلان اغلب حاوی یک روند تصادفی (ریشه واحد) هستند که با یک بار دیفرانسیل گیری روند مذکور حذف می شود. از آنجایی که حضور چنین روندی، تخمین و استنباط آماری به روش های سنتی اقتصادسنجی را غیر معتبر می سازد لذا اولین گام برای تحلیل های اقتصادسنجی در متودولوژی نوین، تعیین درجه هم انباشتگی (تعداد ریشه های واحد) است متغیرهایی که ناپایا (Non stationary) بوده و بعد از یک بار دیفرانسیل گیری تبدیل به متغیر پایا (Stationary) می شوند را انباشته (Integrated) از درجه یک یا (1) می نامند. سایر متغیرها ممکن است پایا یا پایا در روند (یعنی (0) بعد از کنترل اثر روند قطعی) باشند. به علاوه بعضی از متغیرها ممکن است با بیش از یک بار دیفرانسیل گیری مانا شوند. مثلاً ممکن است متغیری با D بار دیفرانسیل گیری مانا شود که در این صورت به آن ها انباشته از درجه D می گویند.

با استفاده از آزمون های ریشه واحد می توان به سهولت به خواص آماری متغیرها پی برد در این مطالعه ما از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته^۲ استفاده می کنیم.

جدول شماره (۱) نتایج آزمون های ریشه ی واحد بر اساس دو فرضیه H_0 ، H_1 ؛ یعنی:

اگر $t_\delta > \tau$ $H_0: \delta = 0$ نایستا است

اگر $t_\delta < \tau$ $H_0: \delta < 0$ ایستا است

فرض $H_0: \delta = 0$ رد می شود.

جدول (۱): نتایج آزمون ADF بر روی لگاریتم متغیرها (در سطح)

نتیجه	مقدار بحرانی مک کنیون ۹۰ درصد	مقدار بحرانی مک کنیون ۹۵ درصد	آماره ADF	بدون عرض از مبدأ و روند	با عرض از مبدأ و روند	با عرض از مبدأ	متغیر
ناپایا	-۳/۱۹	-۳/۵۲	-۲/۸۳		*		lconsumption
ناپایا	-۳/۱۹	-۳/۵۲	-۲/۲۰		*		lgdp
ناپایا	-۳/۱۹	-۳/۵۲	-۲/۹۸		*		lgini

منبع: یافته های تحقیق بر اساس برآورد Eviews

1. Unit Root

2. Augmented Dickey Fuller

با مقایسه آماره ADF و مقادیر بحرانی (Critical Value) می توان دید که تمامی متغیرها در سطح نامانا هستند. در ادامه مجدداً آزمون ریشه واحد را برای تفاضل مرتبه ی اول متغیرهای مورد نظر تکرار می کنیم نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره (۲) ارایه شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون ADF بر روی تفاضل اول متغیرها

متغیر	با عرض از مبدا	با عرض از مبدا و روند	بدون عرض از مبدا و روند	آماره ADF	مقدار بحرانی مک کینون ۹۵ درصد	مقدار بحرانی مک کینون ۹۰ درصد	نتیجه
در سطح	lconsumption	*		-۳/۹۳	-۳/۵۲	-۳/۱۹	پایا
	lgdp	*		-۳/۸۳	-۳/۵۳	-۳/۱۹	پایا
	lgini	*		-۷/۸۱	-۳/۵۲	-۳/۱۹	پایا

منبع: یافته های تحقیق بر اساس برآورد Eviews

با مقایسه آماره ADF و مقادیر بحرانی (Critical Value) می توان دید که تمامی متغیرها با یک بار دیفرانسیل گیری مانا می شوند.

۲) تعیین وقفه بهینه الگو

به منظور برآورد مدل خودرگرسیون برداری و در نتیجه انجام آزمون همگرایی یوهانس برای بررسی روابط بلند مدت متغیرهای مورد استفاده در مدل تعیین وقفه بهینه الزامی است بدین منظور از معیار اطلاعات آکائیک استفاده شده است. به ازای وقفه های مختلف معیار اطلاعات آکائیک و معیار شوارتز و دیگر معیارها به دست آمده در زیر آورده شده است.

جدول (۳): تعیین وقفه بهینه مدل

وقفه مورد نظر	LR	FPE	AIC	SC	HQ
۱	۲۱۸/۸۹	۱/۵۲	-۹/۴۹	-۸/۹۷x	-۹/۳۰
۲	۲۰/۳۹x	۱/۲۸x	-۹/۶۷x	-۸/۷۷	-۹/۳۵x
۳	۱۳/۹	۱/۵۲	-۹/۵۲	-۸/۲۳	-۹/۰۶

منبع: محاسبات محقق

در این جا برای برآورد مدل VAR و برآورد روابط بلند مدت متغیرها آزمون جوهانسون را با در نظر گرفتن معیار آکائیک انجام خواهیم داد. لذا مشاهده می شود که به ازای وقفه ۲ معیار آکائیک کم ترین مقدار را دارا می باشد. می توان نتیجه گرفت، طول وقفه بهینه ۲ است.

۳) هم‌انباشتگی^۱

در بخش آزمون پایایی متغیرها ملاحظه کردیم که متغیرها در سطح مانا نیستند و با تفاضل گیری مانا می‌شوند و می‌توان از خطر رگرسیون کاذب رها شد. اما با تفاضل گیری اطلاعات ارزشمندی را در رابطه با سطح متغیرها از دست می‌دهیم. در اینجا است که باید آزمون هم‌انباشتگی را بررسی کنیم که در صورت اثبات وجود هم‌انباشتگی، می‌توان متغیرها را در سطح پردازش کرد. به طور کلی در تحلیل چند متغیره سری زمانی، ممکن است بیش از یک بردار هم‌انباشتگی بلندمدت وجود داشته باشد. در آن صورت روش‌هایی مانند انگل-گرنجر نمی‌تواند بدون هیچ پیش فرضی از جانب تحلیل‌گر، این بردارها را تعیین کند. جوهانسون و جوسیلیوس با فرموله کردن روشی برای هم‌انباشتگی برداری که در آن تعیین بردار هم‌انباشتگی از طریق حداکثر راستنمایی صورت می‌گیرد، توانستند نقایص روش انگل-گرنجر را حل کنند که برای بررسی هم‌انباشتگی در این مطالعه نیز از این روش استفاده می‌گردد.

به طور کلی اساس تحلیل در این روش بر روی ماتریس II استوار است و با استفاده از دو آماره بزرگ‌ترین مقدار ویژه و آزمون اثر، وجود هم‌انباشتگی و تعداد روابط مشخص می‌گردد. در آزمون حداکثر مقدار ویژه به ترتیب «فرضیه صفر عدم وجود رابطه هم‌انباشتگی $r=0$ در مقابل وجود یک رابطه هم‌انباشتگی $r=1$ » و «وجود یک رابطه هم‌انباشتگی در مقابل وجود دو رابطه هم‌انباشتگی $r=2$ » و «وجود دو رابطه هم‌انباشتگی در مقابل وجود سه رابطه هم‌انباشتگی $r=3$ » آزمون می‌شود. در آزمون اثر نیز به ترتیب «فرضیه عدم وجود رابطه هم‌انباشتگی در مقابل وجود رابطه هم‌انباشتگی» و «وجود یک یا کم تر از یک رابطه هم‌انباشتگی در مقابل وجود بیش تر از یک رابطه هم‌انباشتگی» و «وجود دو یا کم تر از دو رابطه هم‌انباشتگی در مقابل بیش تر از دو رابطه هم‌انباشتگی» آزمون می‌شود. اگر آماره‌های آزمون مربوط به این متغیرها از مقادیر بحرانی در سطح ۰.۵/ بیش تر باشد فرضیه رد می‌شود، بدین ترتیب تعدادی بردار هم‌انباشتگی به دست می‌آید. ما با استفاده از روش جوهانسون بردارهای هم‌انباشتگی را در مدل برآوردی به دست آورده و به وسیله این بردارها روابط بلندمدت میان متغیرهای مدل را بررسی خواهیم کرد.

در این روش با استفاده از آزمون حداکثر مقدار ویژه و آزمون اثر، وجود هم‌مجمعی و رابطه یا روابط تعادلی بلندمدت بین متغیرهای الگو مشخص می‌گردد. در آزمون حداکثر مقادیر ویژه وجود

۲ بردار همجمعی در برابر فرضیه مقابل $r+1$ بردار همجمعی مورد آزمون قرار می‌گیرد و وجود ۲ بردار همجمعی وقتی پذیرفته می‌شود که کمیت آماره آزمون از مقدار بحرانی آن کوچک تر باشد. بر این اساس تعداد بردارهای همجمعی یک است زیرا کمیت آماره آزمون مربوط به آن $11/115$ است که از مقدار بحرانی آن $14/2646$ در سطح 95% کوچک تر است. برآورد ضرایب این بردار همجمعی که توسط نرم افزار Eviews ارایه شده به صورت زیر در جدول (۴) آمده است.

جدول ۴: تعیین تعداد بردارهای همجمعی بر اساس آزمون حداکثر مقدار ویژه

مقدار بحرانی در سطح ۹۵ درصد	آماره آزمون λ_{max}	فرض مقابل	فرض صفر
۲۱/۱۳۱	۲۱/۹۷	$r=1$	$r=0$
۱۴/۲۶۴۶	۱۱/۱۱۵	$r=2$	$r \leq 1$
۳/۸۴۱	۰/۰۰۷	$r=3$	$r \leq 2$

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس برآورد E views

آزمون دیگری که برای این منظور طراحی شده است آزمون اثر است. در این آزمون نیز مادامی که کمیت آماره آزمون از مقدار بحرانی آن بزرگ تر باشد، فرضیه صفر (وجود ۲ بردار همجمعی) در برابر فرضیه مقابل (بیش از ۲ بردار همجمعی) پذیرفته خواهد شد، که مقدار آماره آزمون از کمیت بحرانی آن کوچک تر باشد. از این رو بر اساس اطلاعات مندرج در جدول (۵) می‌توان وجود $r=1$ بردار همجمعی را پذیرفت زیرا کمیت آماره آزمون $11/12$ است که از مقدار بحرانی $15/49$ در سطح 95% کوچک تر است.

جدول ۵: تعیین تعداد بردارهای همجمعی بر اساس آزمون اثر

مقدار بحرانی در سطح ۹۵ درصد	آماره آزمون λ_{max}	فرض مقابل	فرض صفر
۲۹/۷۹	۳۳/۱۰	$r=1$	$r=0$
۱۵/۴۹	۱۱/۱۲	$r=2$	$r \leq 1$
۳/۸۴	۰/۰۰۷	$r=3$	$r \leq 2$

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس برآورد E views

پس در نتیجه با توجه به آزمون حداکثر مقادیر ویژه و آزمون اثر، یک بردار همجمعی بلندمدت به دست می‌آید یعنی یک رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای الگو برقرار است.

جدول ۶: بردار هم‌انباشتگی و نرمال شده

متغیر بردار	Lconsumption	lgdp	lgini
بردار نرمال نشده	۹/۲۵	-۷/۸۲	۳۳/۸۳
بردار نرمال شده	۱/۰۰۰۰۰۰	-۰/۸۴	۳/۶۵

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس برآورد Eviews

جدول (۶) بردار هم‌انباشتگی و نرمال شده متغیرها را نشان می‌دهد همانطوری که مشخص است بردار هم‌انباشتگی نسبت به متغیر Lconsumption نرمال شده است و بردار نرمال شده را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$LCONSUMPTION = 1/96 + 3/84 LGDP - 3/65 LGINI$$

$$(-8/83) \quad (5/48)$$

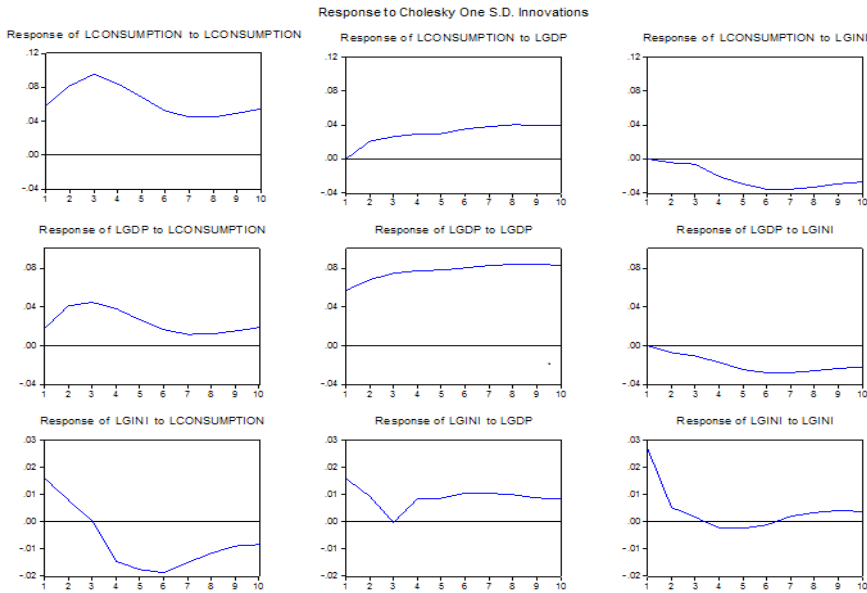
اعداد داخل پرانتز معرف آماره t بوده که با توجه به اعداد فوق نشان دهنده معنی دار بودن ضرایب است. همان طور که در معادله نشان داده شده است در بلندمدت لگاریتم تولید به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ تأثیر مثبت بر لگاریتم مصرف دارند اما لگاریتم ضریب جینی یا نابرابری اثر منفی بر مصرف بخش خصوصی دارد و لذا افزایش نابرابری باعث کاهش مصرف بخش خصوصی می‌شود که این می‌تواند علاوه بر کاهش رفاه بخش عمده جامعه اثرات زیان باری نیز بر تولید داشته باشد.

۴) توابع عکس‌العمل آنی الگو^۱

برای بررسی انحراف کوتاه‌مدت متغیرها از مقادیر تعادلی، می‌توان الگوی تصحیح خطای رابطه بلندمدت را برآورد کرد، زیرا وجود هم‌جمعی بین مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی مبنای استفاده از الگوی تصحیح خطا را فراهم می‌آورد عمده‌ترین دلیل استفاده از این الگو، آن است که نوسانات کوتاه‌مدت آن‌ها را به مقادیر بلندمدت آن‌ها ارتباط می‌دهد. تابع عکس‌العمل آنی، عکس‌العمل یک متغیر درون‌زا را نسبت به تغییر یکی از جملات اخلاص یا تحریک در طول زمان نشان می‌دهد. در نمودارهای زیر آثار تکانه‌های وارده از طرف متغیرهای مورد مطالعه شده بر یکدیگر نشان داده شده است و لذا از تکانه‌های موجود برای بررسی آثار کوتاه‌مدت متغیرها استفاده شده است.

1. Impose Responses

نمودار ۱. توابع عکس العمل آبی مدل VECM



اثر شوک مثبت در نسبت لگاریتم تولید بر لگاریتم مصرف نیز دارای اثر مثبتی است و در نتیجه افزایش تولید باعث افزایش مصرف می شود. (Response of Lconsumption to Lgdp) بدان معنا که افزایش تولید مصرف را در کوتاه مدت افزایش می دهد.

اثر شوک مثبت در نسبت لگاریتم ضریب جینی بر لگاریتم مصرف دارای اثر منفی است بدان معنی که افزایش ضریب جینی (نابرابری) باعث کاهش مصرف در کوتاه مدت می شود. (Response of Lconsumption to Lgini) بدان معنا که افزایش نابرابری مصرف را کاهش می دهد.

نقش نظارت و بازرسی در هدایت توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایران:

نظارت و کنترل یکی از وظایف اصلی مدیریت محسوب می شود، به طوری که بدون توجه به این جزء سایر اجزاء مدیریت شامل برنامه ریزی، سازماندهی و هدایت نیز ناقص بوده و تضمینی برای انجام درست آن وجود ندارد. سازمان و قوانینی که مورد بازرسی قرار نگیرد روز به روز به ضعف و نابودی می رود و اثربخشی آن مورد سؤال قرار می گیرد، بالعکس سازمانی که اصول بازرسی بر آن اعمال شود حتی اگر آن نارسایی ها وجود داشته باشد وجود بازرسی منظم آن ضعف را بر

طرف خواهد نمود. همچنین دستگاه‌های حکومت اگر خود را به پاسخگویی موظف ندانند، اثرات نامطلوبی بر جامعه از خود بر جای خواهند گذاشت و در مسیر عدم مشارکت و خودرأیی خواهند افتاد و ارباب رجوع را صرفاً موظف به اطاعت می‌دانند. همان طوری که بیان شد نتایج حاصل از این تحقیق نشان دهنده آن است که توزیع درآمد بهتر باعث رشد اقتصادی بالا در ایران از طریق افزایش مصرف تولیدات داخلی می‌شود از طرف دیگر نقش سازمان بازرسی (به عنوان یک نهاد ناظر) بر روی متغیرهای کلان اقتصادی از طریق نظارت بر قوانین مؤثر بر این متغیرها مشخص می‌شود. طبق تبصره ماده (۱) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، نظارت و بازرسی از نظر این قانون عبارت است از مجموعه فعالیت‌های مستمر و منظم و هدفدار به منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره مراحل قبل، حین و بعد از اقدام‌های دستگاه‌های مشمول ماده (۲) این قانون، تجزیه و تحلیل آن‌ها، تطبیق عملکرد دستگاه با اهداف و تکالیف قانونی و ارائه پیشنهادها مناسب در جهت حسن جریان امور می‌باشد، از طرف دیگر قانون هدفمندی یارانه‌ها به عنوان تلاشی برای بهبود توزیع عادلانه تر درآمد و بهینه کردن الگوی مصرف در کشور است و به منظور حصول به این امر مهم تدوین و ارائه شده است که در صورت اجرای صحیح این قانون می‌توان به توزیع مناسب درآمد دست یافت که با توجه به نقش نظارتی سازمان بازرسی کل کشور، نظارت بر این امر و ارائه راهکارهای مناسب برای حسن جریان امور در این زمینه نقش کلیدی سازمان را در زمینه بهبود توزیع درآمد و رشد اقتصادی بالا از طریق افزایش مصرف کالاهای داخلی را مشخص می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

این تحقیق بر اساس یک مدل اقتصادسنجی در قالب خودرگرسیون برداری می‌باشد. در تعیین تعداد وقفه برای مدل تحقیق، وقفه بهینه دو بر اساس معیار اطلاعاتی آکائیک به دست آمد. روابط بلندمدت بین متغیرهای الگو بر اساس آزمون همجمعی جوهانسون - جوسیلیوس مورد بررسی قرار گرفت، بر این اساس تعداد بردارهای همجمعی با استفاده از آزمون حداکثر مقدار ویژه و آزمون اثر یک می‌باشد و نتایج حاکی از آن است که لگاریتم ضریب جینی تأثیر منفی بر لگاریتم مصرف در بلندمدت دارد و لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ تأثیر مثبتی بر مصرف در بلندمدت دارد. همچنین نتایج توابع عکس‌العمل آنی حاکی از آن است که در کوتاه مدت نیز افزایش تولید باعث افزایش مصرف در ایران می‌شود و کاهش ضریب جینی مصرف را در ایران

افزایش می‌دهد و افزایش مصرف بخش خصوصی نیز اثر مثبتی بر تولید ناخالص داخلی در ایران دارد و بنابراین می‌تواند یک عامل محرک برای رشد اقتصادی در ایران محسوب شود و نظریه اقتصاددانانی که افزایش تولید و در نتیجه رشد اقتصادی را از طریق افزایش نابرابری راهکاری برای توسعه اقتصادی کشورها می‌دانند، در ایران رد می‌شود و لذا پیشنهاد می‌شود دولت با فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای توزیع عادلانه تر درآمد در کشور، زمینه افزایش مصرف و همچنین رفاه قشر ضعیف جامعه را فراهم بیاورد تا علاوه بر تشویق تولید داخلی از طریق افزایش مصرف قشر ضعیف جامعه که اکثراً مصرف‌کننده کالاهای تولیدی داخل (به جای کالاهای لوکس خارجی) می‌باشند، زمینه را برای ایجاد عدالت اجتماعی و اقتصادی واقعی نیز فراهم آورد. همچنین با توجه به این که در تدوین برنامه‌های بازرسی شناخت ضرورت‌ها در تدوین برنامه‌های بازرسی، در قانون و آیین‌نامه سازمان بازرسی مورد تأکید قرار گرفته است و با در نظر گرفتن یافته‌های این تحقیق و اثبات نقش کلیدی توزیع عادلانه تر درآمد در بهبود رشد اقتصادی کشور و افزایش تولید کالاهای داخلی، پیشنهاد می‌شود سازمان بازرسی در برنامه‌های مستمر سالانه خود، نظارت بر قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و اجرای صحیح آن توسط دستگاه‌های مربوطه را در دستور کار قرار دهد.

این تحقیق آثار متقابل توزیع درآمد و درآمد ملی بر مصرف در ایران را در غالب مطالعه سیستمی طی سال‌های (۱۳۸۹-۱۳۵۲) مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که نظریه اقتصاددانانی که افزایش نابرابری را ابزاری برای افزایش تولید از طریق تجمع ثروت در دست ثروتمندان (گروهی که میل نهایی به مصرف پایینی دارند و درآمد مازاد خود را سرمایه‌گذاری می‌کنند) می‌دانند، در مورد ایران رد می‌شود و نظریه گروه دوم اقتصاد دانان توسعه که بیان می‌کنند افزایش برابری در اقتصاد با افزایش قدرت مصرف بخش ضعیف جامعه (که اکثراً کالاهای مصرفی داخلی را به جای کالاهای لوکس وارداتی مصرف می‌کنند)، باعث تشویق مصرف کالاهای داخلی و در نتیجه افزایش تولید آن‌ها و در نتیجه تولید ناخالص داخلی می‌شود، در مورد ایران تأیید می‌باشد.

منابع

- ام، گیلیس، دی.اچ، پرکینز، ام، رومر و آر، اسنود گراس (۱۳۷۹). اقتصاد توسعه، ترجمه: غلامرضا آزاد(ارمکی)، تهران: نشر نی
- بختیاری، صادق (۱۳۸۲). تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک، تهران: معاونت

امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی

برانسون، ویلیام.اچ (۱۳۷۲). تئوری و سیاست های اقتصاد کلان، ترجمه:عباس شاکری، تهران:

نشرنی

تفضلی، فریدون (۱۳۷۳). نظریه ها و سیاست های اقتصادی، تهران: نشرنی

تودارو، مایکل (۱۳۷۰). توسعه اقتصادی در جهان سوم، جلد اول، ترجمه: غلامعلی فرجادی،

تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه

رحمانی، تیمور (۱۳۸۰). اقتصاد کلان، جلد دوم، تهران: انتشارات برادران

زیبایی، حسن (۱۳۸۲). تجارت برنامه های توسعه کشور در خصوص توزیع درآمد و عدالت

اجتماعی (ارایه راهکارهای پیشنهادی برای برنامه چهارم توسعه)، تهران: دفتر اقتصاد ک

طیبیان، محمد (۱۳۷۹). فقر و توزیع درآمد در ایران، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی

و توسعه

گجراتی، دامودار (۱۳۸۳). مبانی اقتصادسنجی، جلد دوم، ترجمه: حمید ابریشمی، تهران: انتشارات

دانشگاه تهران

Nissim, Ben-David(2007),“ Economic growth and its effect on income distribution”,Journal of Economic Studies, Volume34, Issue1, Page 42 – 58

Partridge, Mark(2005), “Does income Distridution Affect U.S.State Economic Growth?”,Journal of Regional Science, vol45, No45,pp363394-

Hein, Eckhard and Vogel, Lena(2007),“ Distribution and growth reconsidered: empirical results for six OECD countries”,Published by Oxford University press on behalf of the Cambridge Political Economy Society

Salehi-Isfahani,Javad (2006), «Revolution and redistribution in Iran: how the poor have fared 25 years later », available: <http://www.imf.org/external/index.htm>

Dadkhah, Kamran (2001), «Income Distribution and Economic Growth in the United States: 1947-2001-», available: <http://www.economics.neu.edu/papers/documents>

Saunders, Peter (2003), «Examining Recent Changes In Income Distribution In Australia», SPRC Discussion Paper, No 130

Osberg, Lars (1997), « Economic Growth, Income Distribution and Economic Welfare in Canada 1975-1994-», available: <http://econpapers.repec.org/scripts>